



Obstacles to Women's Role in Peacebuilding in South Sudan

Mahdi Zolfaghari^{1*}, Nastaran Saati²

1. Associate Professor, Department of Asian Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2. M.A in International Relations, Department of Political Science and Law, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran

Abstract

Peace, as a vital factor for global well-being, necessitates collective cooperation. Women, representing half of the world's population, play a significant role in the peace-building process. This study examines the role of women in peace-building in South Sudan and the obstacles they face, given that South Sudan, after years of conflict, confronts serious challenges in achieving sustainable peace, and the barriers to women's participation in this path are often overlooked. The question that this article intends to investigate and answer is: What obstacles do women face in the South Sudanese peace-building process? The hypothesis that addresses this question, utilizing a descriptive-analytical method and drawing upon liberal feminist and pacifist theories, is that cultural norms, a patriarchal society, high illiteracy rates, ethnic diversity, and existing legal barriers in the country are among the primary obstacles to women's effective role in the peace-building process. In fact, despite various challenges, women in South Sudan play a crucial role in establishing peace, but the existence of these norms acts as a major impediment to their role in peace-building.

Introduction

The 20th-century global wars spurred the international community to seek sustainable peace solutions. Today, international organizations at all levels

* Corresponding Author:

Zolfaghari.m@lu.ac.ir



Copyright© 2025, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution- NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms

work toward a safer, more peaceful world, as peace remains not only an enduring human ideal but a fundamental necessity for societal prosperity. In this pursuit, women, as half the global population, are pivotal in advancing this collective good. Violent conflicts disproportionately affect women, who often endure heightened violence and assault, intensifying gender inequalities and discrimination. This underscores a critical reality: women are essential actors in fostering peace, prioritizing economic development, justice, and human rights. Yet ongoing global conflicts devastate communities, reinforcing women's dual roles as peace advocates and victims of war's social, emotional, and infrastructural destruction. Their inclusion in peace processes is thus vital to addressing these challenges and achieving lasting stability. This study investigates the root causes of violence against women in post-independence South Sudan (2011), where governance and security challenges—including ethnic strife and armed conflict—have deepened women's vulnerabilities. Systemic gender inequality, pervasive illiteracy, sexual violence, and limited healthcare access severely impact women's health and family welfare. The absence of legal protections for women and widespread impunity for perpetrators further compounds these issues.

Methodology

This article employs a descriptive approach to assess the status of women in South Sudan, followed by an explanatory analysis to identify root causes of barriers limiting their participation in peacebuilding. Combining these methodologies, the study investigates challenges impeding women's meaningful engagement in the country's peace processes.

Results and Discussion

The study's findings indicate that cultural norms, entrenched patriarchal traditions, and their underlying beliefs perpetuate a cycle of violence and gender inequality in South Sudan, significantly obstructing women's capacity to contribute to peacebuilding efforts.

Conclusion

This study investigated women's role in peacebuilding, particularly in South Sudan, where cultural norms, intergroup dynamics, and entrenched values pose significant barriers to sustainable peace. Women in the region face systemic obstacles—structural, behavioral, and institutional—that restrict their meaningful engagement in peace processes, undermining both their participation and the durability of peace outcomes. Addressing

these challenges requires coordinated efforts among policymakers, civil society, and international actors to foster inclusive decision-making environments and dismantle barriers to women's agency in peacebuilding.

Keywords: South Sudan, Women, Peacebuilding, Cultural Norms





شوریه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

موانع ایفای نقش زنان در فرایند صلح سازی در سودان جنوبی

مهدی ذوالفقاری^{۱*}، نسترن ساعتی^۲

۱. دانشیار گروه مطالعات آسیایی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران. ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی و حقوق، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱

چکیده

صلح به عنوان یک عامل حیاتی برای رفاه جهانی، نیازمند همکاری جمعی است. زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان، نقش بسزایی در فرایند صلح سازی ایفا می کنند. این مطالعه به بررسی نقش زنان در صلح سازی سودان جنوبی و موانع پیش روی آن ها می پردازد؛ چراکه سودان جنوبی پس از سال ها درگیری با چالش های جدی در تحقق صلح پایدار روبه روست و موانع مشارکت زنان در این مسیر اغلب نادیده گرفته می شود. پرسشی که مقاله پیش رو قصد بررسی و پاسخ به آن را دارد این است که زنان در فرایند صلح سازی سودان جنوبی با چه موانعی روبه رو هستند؟ فرضیه ای که در پاسخ به این سؤال با بهره گیری از روش توصیفی - تبیینی و با استناد به نظریه فمینیسم لیبرال و صلح طلب مورد بررسی قرار می گیرد این است که هنجارهای فرهنگی جامعه پدرسالارانه، نرخ بالای بی سواد، تنوع قومیتی و موانع حقوقی موجود در این کشور از جمله موانع اصلی برای ایفای نقش مؤثر زنان در فرایند صلح سازی هستند. درواقع زنان در سودان جنوبی با وجود چالش های گوناگون، نقش مهمی در برقراری صلح ایفا می کنند، اما وجود این هنجارها به عنوان مانعی اصلی در جهت ایفای نقش آن ها در صلح سازی عمل می کند.

واژه‌های کلیدی: سودان جنوبی، زنان، صلح‌سازی، هنجارهای فرهنگی.

مقدمه

جنگ‌های جهانی قرن بیستم میلادی، جامعه جهانی را به تکاپو برای یافتن راه‌هایی جهت نیل به صلح پایدار واداشت. امروزه، سازمان‌های بین‌المللی در سطوح مختلف، معطوف به تحقق جهانی امن‌تر و صلح‌آمیزترند؛ چراکه صلح نه صرفاً آرمانی دیرینه برای بشر، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای شکوفایی و پیشرفت جوامع است. در این میان، زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جهان، نقشی محوری در این منفعت عمومی ایفا می‌کنند. این امر از آن روست که مخاصمات خشونت‌آمیز، تأثیری نامتناسب بر زنان داشته و در بسیاری از نقاط جهان، آن‌ها قربانیان خشونت و تجاوز بوده و این مسئله، نابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسیتی موجود را تشدید می‌کند. با تأمل در این مسائل، نکته‌ای حائز اهمیت آشکار می‌شود: زنان نقشی بس مهم در فرایند صلح‌سازی ایفا می‌کنند. زنان نیمی از اعضای هر جامعه را تشکیل می‌دهند و وظیفه خطیر برقراری صلح، می‌بایست به صورت مشارکتی توسط مردان و زنان انجام پذیرد. درواقع، پایان دادن به درگیری‌ها و جنگ، نمی‌تواند صرفاً از طریق یک روند صلح از بالا به پایین (با حضور انحصاری بازیگران مسلح) محقق شود، بلکه نیازمند فرایندی جامع‌تر است؛ فرایندی که در آن، نقش‌های محوری‌تر زنان در ایجاد صلح تعریف شده باشد.

شواهد حاکی از آن است که زنان در فرایندهای مرتبط با صلح، کم‌تر بر غنائم جنگ و بیشتر بر صلح، توسعه اقتصادی و عدالت متمرکزند و تمامی این موارد، عناصر بنیادین صلح محسوب می‌شوند. با وجود این، در جهان پیچیده و پرتنش معاصر، تهدید جنگ و درگیری همچنان بسیاری از جوامع را در خود می‌گیرد. تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در کنار رشد ملی‌گرایی و تعصبات، بر پیچیدگی بحران‌های جهانی افزوده‌اند. در این شرایط، نقش زنان به‌عنوان صلح‌سازان و مدافعان حقوق بشر، بیش از پیش نمایان می‌شود. به بیان دیگر، درگیری‌ها، فارغ از چرایی وقوع، ویرانی‌های اجتماعی، عاطفی و

روانی عمیقی بر افراد و جوامع تحمیل می‌شوند و زیرساخت‌ها را در کشورهای آسیب‌دیده نابود می‌سازند.

پژوهش حاضر به بررسی علل ریشه‌ای خشونت علیه زنان در سودان جنوبی، به‌ویژه پس از استقلال این کشور در سال ۲۰۱۱ و تداوم درگیری‌های داخلی می‌پردازد. سودان جنوبی به‌عنوان جوان‌ترین کشور جهان، با چالش‌های جدی در زمینه حاکمیت و امنیت، ازجمله تنش‌های قومی و درگیری‌های مسلحانه دست و پنجه نرم می‌کند. این بحران تأثیر مخربی بر زنان داشته و آن‌ها را در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار داده است. نابرابری‌های گسترده، نرخ بالای بی‌سوادی، خشونت جنسی و کاهش دسترسی به خدمات بهداشتی ازجمله چالش‌های پیش روی زنان در این کشور است که سلامت آن‌ها و خانواده‌هایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. درنهایت، فقدان قوانین حمایتی از زنان و مجازات عاملان خشونت، این بحران را تشدید می‌کند. با توجه به اهمیت مسئله، پرسش اصلی مقاله این است که موانع پیش روی زنان در صلح‌سازی سودان جنوبی آن‌ها چیست؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این سؤال مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد این است که هنجارهای فرهنگی، باورهای نهفته در آن و عنصر سنتی مردسالارانه چرخه‌ای از انواع خشونت‌ها و نابرابری جنسیتی در این کشور به‌وجود آورده است که مانع فرایند صلح‌سازی توسط زنان در این کشور می‌شود. این پژوهش شامل نه بخش است. پس از مقدمه، چارچوب تئوریک و ادبیات پژوهش بررسی می‌شود. در ادامه، یافته‌های پژوهش در چهار بخش ارائه و همچنین در بخش بعد تجزیه و تحلیل پژوهش و راهکارهای افزایش نقش زنان در صلح‌سازی ارائه می‌شود. درنهایت، نتیجه‌گیری و ارزیابی مباحث صورت می‌گیرد.

روش تحقیق

در این مقاله با بهره‌گیری از روند توصیفی به جمع‌آوری اطلاعات درمورد وضعیت و موقعیت زنان در سودان جنوبی می‌پردازیم و سپس با نگاهی تبیینی به دنبال علل موانع

ایفای نقش زنان در صلح‌سازی سودان جنوبی هستیم. درواقع با رویکردی توصیفی - تبیینی، موانع ایفای نقش زنان در صلح‌سازی سودان جنوبی را بررسی می‌کنیم.

مباحث نظری: فمینیسم لیبرال و صلح‌طلب

فمینیسم لیبرال را می‌توان به‌عنوان بنیان نظری و نقطه آغازین بسیاری از جریان‌های فمینیستی تلقی کرد. ریشه‌های این جریان فکری را باید در اندیشه‌های لیبرالیسمی جست‌وجو کرد که در قرن‌های هجدهم و نوزدهم میلادی بر تفکر غربی حاکم بود. به عبارت دیگر، فمینیسم لیبرال از دل آرمان‌های آزادی‌خواهی و برابری طلبی لیبرالیسم زاده شد. گفتنی است که جنبش فمینیستی در طول تاریخ خود، به شاخه‌های مختلفی تقسیم شده و هر یک از این شاخه‌ها، رویکردها و نظریه‌های خاص خود را ارائه داده است. فمینیسم لیبرال، به‌عنوان یکی از اولین و تأثیرگذارترین این شاخه‌ها، نقش مهمی در شکل‌گیری و توسعه اندیشه فمینیستی ایفا کرده است (Heroach, 2019: 128). با تعریفی ساده از لیبرالیسم که بر پایه آزادی و برابری شهروندان و نادیده گرفتن امتیازهای ویژه اشراف و قدرت بی‌چون و چرای پادشاهان شکل گرفته است، می‌توان فمینیسم را دستاورد لیبرالیسم دانست، زیرا مهم‌ترین شعارهای لیبرالیسم، به شکل منطقی زنان را هم به این فکر واداشت که اگر انسان‌ها برابر و آزاداند، این اصل می‌تواند زنان را هم در بر بگیرد، فمینیسم می‌تواند پیامد گریزناپذیری باشد که خواهان گسترش ارزش‌های لیبرالیسم به جامعه زنان بود (Paknia, 2010: 109). فمینیست‌های لیبرال، عمدتاً به لیبرالیسم طرفدار رفاه فردگرایی توجه دارند. خواسته عمده این دسته از فمینیست‌ها برخورداری از شرایط و امکانات همسان با مردان بوده است، چراکه به باور آن‌ها زنان و مردان از تمامی جنبه‌ها با یکدیگر برابرند. فمینیسم لیبرال ریشه این برابری را در ماهیت واحد آدمی و برابری طبیعی آن‌ها می‌داند، چراکه معتقد است طبیعت، انسان‌ها را به صورت مساوی آفریده است (Zarei, 2016: 40). ولستون کرافت^۱ و میل^۱ معتقد بودند که زنان همانند مردان قادر به

1. Marry Wollstonecraft

تعقل هستند و بنابراین حق دارند همانند آنان آموزش ببینند. برتر دانستن مردان در تعقل مستلزم محرومیت از نیمی از جامعه انسانی است و خسارت بزرگی برای جامعه در بر خواهد داشت (Hosseinizadeh & Sharfi Jam, 2013: 29). درواقع ویژگی‌های بارز این جریان فکری را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف) برابری فردی و حقوق برابر: فمینیسم لیبرال بر این باور است که زنان و مردان باید از حقوق برابر در تمامی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخوردار باشند.

ب) اصلاح طلبی قانونی: فمینیست‌های لیبرال معتقدند که برای تحقق برابری جنسیتی، تغییرات اساسی در قوانین و ساختارهای اجتماعی ضروری است. آن‌ها بر استفاده از ابزارهای قانونی و سیاسی موجود برای اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز و ایجاد قوانین جدیدی که از حقوق زنان حمایت کنند، تأکید دارند.

ج) تمهد به دموکراسی: فمینیسم لیبرال، دموکراسی را به عنوان بهترین نظام سیاسی برای تحقق برابری جنسیتی می‌داند. در نظام‌های دموکراتیک، زنان می‌توانند از طریق مشارکت در فرایندهای سیاسی، به حقوق خود دست یابند و تغییرات مورد نظر خود را ایجاد کنند.

د) اصل فرصت‌های برابر: این اصل به این معناست که هر فرد، صرف نظر از جنسیت، نژاد، قومیت یا طبقه اجتماعی، باید به منابع و فرصت‌های برابر برای توسعه فردی و اجتماعی دسترسی داشته باشد (Hepler & Sevr, 2023). این نوع فمینیست‌ها شرایط اجتماعی را عاملی می‌دانند که زنان را در موقعیت‌های شغلی و اجتماعی پایین‌تری قرار می‌دهد؛ بنابراین، این شرایط نابرابر از نظر موقعیت باعث نابرابری زنان و مردان خواهد شد (Bakhtiari et al., 2014: 94). می‌توان استنباط کرد که فمینیسم لیبرال غالباً نابرابری‌های جنسیتی را در قالب تأکید لیبرال کلاسیک بر حقوق فردی چارچوب‌بندی می‌کند. زنان حق دارند در تمامی نقش‌های اجتماعی و سیاسی (از جمله نقش‌های جنگی) بدون تبعیض

شرکت کنند. طرد زنان از مناصب قدرت در روابط بین‌الملل هم برای زنان ناعادلانه است و هم نیمی از جمعیت را از ارائه بهترین کمک به جامعه بازمی‌دارد. آگاهی از تبعیض جنسیتی در جنبش صلح باعث شد که بسیاری از این جنبش به جنبش فمینیستی پیوندند و آنانی که در این جنبش باقی ماندند سعی کردند که تبعیض جنسیتی را در میان رهبری مردانه مورد انتقاد قرار دهند و کوشیدند که ایده تساوی شراکت زنان و مردان را در رهبری مطرح کنند. در این شرایط بود که زنان در سال ۱۹۸۰ دست به تشکیل‌های جداگانه‌ای زدند که پیوند فمینیسم و صلح‌خواهی را در بطن خود داشت و این شروع جنبشی شد که آن را فمینیسم صلح‌طلب یا صلح‌خواه می‌نامند. یکی از راه‌هایی را که فمینیسم صلح‌خواه برای ارتباط فمینیسم و صلح مطرح می‌کرد این بود که نشان دهد، خشونت مردان به زنان در خانه یا در خیابان، در میدان جنگ نیز ادامه می‌یابد (Abghari, 2022).

صلح فمینیستی به دنبال ایجاد یک صلح پایدار و فراگیر است که صرفاً به معنای نبود جنگ نیست. این مفهوم بر سه اصل اساسی استوار است:

الف) صلح به‌عنوان نبود هرگونه خشونت ساختاری: صلح فمینیستی معتقد است که خشونت تنها به شکل درگیری‌های نظامی نیست، بلکه شامل انواع دیگر خشونت مانند خشونت خانگی، تبعیض جنسیتی در همه اشکال آن، و نابرابری‌های ساختاری در جامعه نیز می‌شود. برای رسیدن به صلح واقعی، باید تمام اشکال خشونت را ریشه‌کن کرد.

ب) صلح و امنیت برای همه: صلح فمینیستی بر این باور است که صلح باید برای همه افراد جامعه، بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد، قومیت یا هر مشخصه دیگری، فراهم شود. این بدان معناست که همه افراد باید احساس امنیت کنند و از حقوق برابر برخوردار باشند.

ج) مشارکت برابر در فرایندهای صلح: زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جهان، نقش مهمی در ایجاد و حفظ صلح دارند. صلح فمینیستی بر اهمیت مشارکت برابر زنان در همه سطوح تصمیم‌گیری و فرایندهای صلح‌سازی تأکید می‌کند. این مشارکت نه تنها به ایجاد صلح پایدار کمک می‌کند، بلکه به تقویت حقوق زنان و افزایش آگاهی نسبت به نیازهای

خاص آن‌ها نیز می‌انجامد (Africanfeminism, 2019). فمینیسم صلح‌طلب که حاصل تلفیق آرمان‌های فمینیستی با آرمان‌های عام‌تر اجتماعی است، بر این اعتقاد است که زنان به دلیل زیست‌شناختی و بار عاطفی می‌توانند از بروز جنگ در جهان جلوگیری کنند؛ بنابراین می‌بایست وظایفی در زمینه استقرار و حفظ صلح به آنان محول شود. اندیشمندان دیدگاه زیست‌شناختی معتقدند که ریشه صلح‌طلبی زنان و آمادگی بیشتر تصمیم‌گیری در سیاست خارجی یا تأثیرگذاری بر این تصمیمات، در تفاوت زیست‌شناختی میان زنان و مردان ریشه دارد.

از آنجا که زنان توانایی به دنیا آوردن و بزرگ کردن کودکان را دارند، به حفظ حیات انسانی و پرهیز از هزینه‌های انسانی تمایل دارند و صلح‌طلب هستند. اصل قدیمی (مردان جنگ‌طلب) هستند، پس باید شهروند و حاکم باشند، کاملاً رد نمی‌شود، بلکه واژگون می‌شود تا از آن برای استدلال حضور زنان در سیاست خارجی استفاده شود (Sabouri et al., 2013: 173). به طور کلی فمینیسم صلح‌طلب، صلح را فراتر از نبود جنگ تعریف می‌کند و به دنبال ریشه‌کنی خشونت در تمامی اشکال آن است. این گرایش معتقد است که زنان به دلیل نقش زیستی و اجتماعی خود، دغدغه بیشتری برای صلح دارند و باید در نهادهای تصمیم‌گیرنده حضور فعال داشته باشند. تلفیق فمینیسم لیبرال و صلح‌طلب می‌تواند با توانمندسازی زنان، زمینه مشارکت بیشتر آنان را در صلح‌سازی فراهم کند.

فمینیسم لیبرال و فمینیسم صلح‌طلب هر دو می‌توانند در درک موانع ایفای نقش زنان در صلح‌سازی سودان جنوبی مفید باشند؛ فمینیسم لیبرال با تأکید بر لزوم برابری حقوقی و سیاسی زنان، می‌تواند به رفع موانع ساختاری مشارکت زنان در صلح‌سازی کمک کند. فمینیسم صلح‌طلب نیز با تأکید بر نقش زنان در ایجاد و حفظ صلح، می‌تواند به رفع موانع مشارکت زنان در فرایندهای صلح و بازسازی کمک کند. به عبارتی در سودان جنوبی، همکاری بین این دو دیدگاه می‌تواند به توانمندسازی زنان و افزایش مشارکت آنان در صلح‌سازی منجر شود.

در واقع می‌توان گفت «موانع ایفای نقش زنان در صلح‌سازی سودان جنوبی» به‌طور مستقیم با دغدغه‌های فمینیسم لیبرال و فمینیسم صلح‌طلب مرتبط است. این دو دیدگاه فمینیستی با ارائه تحلیل‌های متفاوت، اما مکمل، به درک و رفع موانع مشارکت زنان در صلح‌سازی کمک می‌کنند.

پیشینه تحقیق

مقاله «نقش زنان در صلح‌سازی سودان جنوبی» نوشته هارون (2024) به بررسی نقش زنان در ایجاد صلح در درگیری‌های اخیر سودان جنوبی و همچنین تلاش‌ها و تعهدات برای تأثیرگذاری بر مشارکت آن‌ها می‌پردازد. این پژوهش بیشتر جنبه تجویزی دارد و محقق از راهبردهایی مانند لابی‌گری برای حمایت جامعه بین‌الملل، ظرفیت‌سازی زنان در بخش‌های مختلف را برای دستیابی به صلح را توصیه می‌کند.

پژوهش چول (2023) با عنوان «زنان سودان جنوبی در ایجاد صلح و حل مناقشه: چشم‌اندازها و موانع» به نقش حیاتی زنان در نظام اجتماعی و ایجاد صلح جهانی می‌پردازد. در این پژوهش چالش‌های پیش روی زنان سودان جنوبی در این مسیر شناسایی می‌شود. محقق در این پژوهش نتیجه می‌گیرد که تسلط مردسالاری شدید، موانع فرهنگی پس رو، حسادت دائمی و سوءظن متقابل بین زنان از چالش‌های بزرگ برای پیشرفت زنان در سودان جنوبی هستند و آن‌ها را به عقب می‌کشاند.

نیون (2021)، در مقاله خود به نام «زنان در جریان اصلی صلح و امنیت در سودان جنوبی: درس‌های آموخته‌شده و راه پیش رو» به بررسی نقش زنان در ترویج صلح در سودان جنوبی با مشارکت در فرایند احیای سطح بالا که منجر به امضای توافقنامه احیای حل و فصل درگیری (R-ARCSS) در جمهوری سودان جنوبی شد، می‌پردازد. محقق همچنین در این پژوهش نشان می‌دهد که زنان سودان جنوبی با چالش‌های بسیاری از نیازهای اساسی تا مسائل ساختاری مانند بی‌سوادی، مراقبت‌های بهداشتی ضعیف، نابرابری‌های خانگی و قوانین تبعیض‌آمیز مواجه بوده‌اند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد

که اراده سیاسی دولت و مسائل فرهنگی عواملی هستند که مانع شکوفایی زنان در صلح و امنیت می‌شوند.

پژوهش پونی الی (۲۰۱۵) با عنوان «نقش زنان در ایجاد صلح پس از جنگ در جمهوری سودان جنوبی: مطالعه موردی ایالت جوب» به بررسی نقش زنان در فرایند صلح سازی پس از جنگ در سودان جنوبی می‌پردازد. هدف این پژوهش، درک و ارزیابی نقش زنان در این زمینه است. الی در پژوهش خود با استفاده از داده های اولیه و ثانویه، توصیه‌هایی برای بهبود نقش زنان در صلح سازی ارائه می‌دهد. به‌طور خلاصه، پژوهش الی بر اهمیت نقش زنان در صلح سازی پس از جنگ در سودان جنوبی تأکید می‌کند و راهکارهایی برای تقویت این نقش ارائه می‌دهد.

هوت مایی (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقش زنان در ایجاد صلح در سودان جنوبی» نقش زنان در ایجاد صلح بررسی شده و استدلال شده که زنان به دلیل تجربیاتشان در حل منازعات، نقشی حیاتی در این زمینه ایفا می‌کنند. با این حال، موانعی مانند هنجارهای مردسالارانه، فقدان اراده سیاسی، مسائل قومی و کمبود بودجه، مانع از مشارکت کامل زنان در فرایندهای صلح می‌شوند.

درمورد بررسی این مسئله اثر قابل توجهی از منظر فمینیسم لیبرال و صلح طلب وجود ندارد. درواقع تلفیق فمینیسم لیبرال و فمینیسم صلح طلب می‌تواند چارچوب تئوریک نوآورانه‌ای را برای این پژوهش فراهم کند. علاوه بر این، اینطور به نظر می‌رسد که تا به حال مقاله پژوهشی در آثار فارسی به نگارش در نیامده است که این موضوع را درمورد کشور سودان جنوبی مورد بررسی قرار داده باشد و آثار انگلیسی هم عمدتاً بر (فقدان اراده سیاسی) و (قومیت) متمرکز بوده‌اند و این موارد را از موانع اصلی ایفای نقش زنان در روند صلح سازی سودان جنوبی دانسته و مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش برخلاف مطالعات پیشین، قصد دارد «هنجارهای فرهنگی» را بررسی کند و خلأ موجود در این زمینه را پر کند. به عبارت دیگر، نوآوری این مقاله در این است که «هنجارهای فرهنگی» را به عنوان مانع اصلی در مسیر صلح سازی زنان در سودان جنوبی معرفی می‌کند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این مطالعه بعد از تشریح و اهمیت صلح در نظام بین‌الملل که در ادامه به آن می‌پردازیم نشان‌دهنده این است که هنجارهای فرهنگی، باورهای نهفته در آن و عنصر سنتی مردسالارانه چرخه‌ای از انواع خشونت‌ها و نابرابری جنسیتی در این کشور به وجود آورده است که مانع فرایند صلح‌سازی توسط زنان در این کشور می‌شود.

مفهوم صلح و ضرورت آن در نظام بین‌الملل

در هزاره سوم، مفهوم سنتی صلح و امنیت بین‌المللی تغییر کرده و از حالت صرفاً نظامی به حوزه‌های گسترده‌تری مانند سیاست، اقتصاد، جامعه و محیط زیست رسیده است. در نتیجه، مسئولیت برقراری صلح و امنیت دیگر فقط بر عهده دولت‌ها نیست، بلکه تمامی بازیگران نظام بین‌الملل از جمله افراد، گروه‌ها و نهادهای بین‌المللی در این امر دخیل هستند (Soltani & Moradi, 2017: 133). در رابطه با مفهوم صلح تعاریف گوناگونی ارائه شده است و می‌توان بیان داشت که سابقه این مفهوم در شرق و غرب تا حدودی متفاوت از یکدیگر است. در غرب، مفهوم صلح با تأکید بر نبود خشونت معنا می‌شود (صلح منفی)، در حالی که تعاریف شرقی بر حضور برخی شرایط جهت تحقق صلح تأکید دارند (صلح مثبت) همچون تعادل، هارمونی، پایداری. درک جهانی از صلح مستلزم تجمیع این دو برداشت از صلح خواهد بود (Askari & Khosravi, 2017: 240). سابقه تأسیس رشته روابط بین‌الملل و تأسیس نهادهای بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که در ابتدا و در علم واقعیت در روابط بین‌الملل، بیشتر مفهوم منفی صلح مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که جامعه جهانی به تدریج متوجه اهمیت حقوق بشر و جنبه‌های مثبت صلح در روابط بین‌الملل شد و چه از منظر اسناد و معاهدات و چه از منظر تأسیس نهادهای بین‌المللی به سمت صلح مثبت و تقویت حقوق بشر حرکت کرد. صلح مثبت در یک تعریف ساده، عبارت است از احترام به حقوق ذاتی بشر و عزت انسان‌ها و عدالت و پرهیز از خشونت اعم از خشونت ساختاری یا خشونت مستقیم در روابط بین‌الملل که علاوه بر

جنگ و نزاع شامل بی‌عدالتی، فقر، توسعه‌نیافتگی، آسیب به محیط زیست و تحقیر انسان‌ها و... می‌شود (Sadati-nejad & Sadati-nejad, 2020: 75-76). نخستین کارهای نظری در چارچوب مطالعات صلح، پس از جنگ جهانی دوم توسط کسانی چون کنث بولدینگ^۱ انجام پذیرفت. در آن دوران مطالعات صلح بیشتر به مسائل همچون مدارا و اجماع بین‌المللی می‌پرداخت و از پرداختن به مسائل ایدئولوژیک یا تنش‌زا پرهیز می‌کرد. در دهه ۱۹۶۱ در مطالعات صلح تحت تأثیر جنگ ویتنام، حقوق بشر به‌عنوان پیش‌زمینه صلح اهمیت یافت. در دهه ۱۹۷۱ نیز مطالعات صلح، مسائلی چون: اکولوژی، تنگ‌دستی و مسائل مربوط به جنسیت را در برگرفت. امروزه نیز مطالعات صلح در پی دگرگون کردن دریافت‌ها و برداشت‌های سنتی درباره جنگ و صلح، مدعی این باور است که جنگ کار نابخردانه‌ای است که می‌توان از آن پیشگیری کرد، از این رو، دستیابی به صلح را امکان‌پذیر می‌داند. بنابراین، جهت دستیابی به صلح، مطالعات صلح تلاش می‌کند با پرداختن مسائل مربوط به جنگ و صلح، مسئولیت‌های فردی، نابرابری اقتصادی و روابط ناعادلانه جنسی، سطح تحلیل میان دولت‌ها را به سطح وسیع‌تری از روابط اجتماعی (فردی، ملی و جهانی) سوق دهد. در نتیجه، در مطالعات صلح بر درک صحیح از فرهنگ‌ها و ابعاد گوناگون روابط اجتماعی تأکید بسیار می‌شود تا بتوان با فهم و درک ریشه‌های شکل‌گیری تعارض و ایجاد خشونت شرایط ایجاد، حفظ و تداوم صلح را با تغییر اساسی در امکانات موجود در جوامع انسانی از طریق انقلاب اجتماعی در سطح ملی و فراملی فراهم ساخت (Goodarzi & Kafash Niri, 2019: 25-26). درواقع، صلح به نفع دولت، نهادهای گروهی و افراد است. برقراری صلح می‌تواند تحقق حقوق بشر را تضمین کند و افراد و گروه‌ها را در برابر رفتارهای غیرقانونی مصون نگه دارد. درک بسیاری از ابعاد صلح به ما امکان می‌دهد ارتباطات متقابل را بشناسیم و به علل اصلی درگیری‌ها بپردازیم. با سرمایه‌گذاری در آموزش، گفت‌وگو، دیپلماسی، فناوری، پایداری محیطی، مسئولیت شرکتی، کنشگری،

1. Kenneth Boulding

روانشناسی و رسانه‌ها، می‌توان صلح را که در تمام جنبه‌های جامعه نفوذ می‌کند پرورش داد و از طریق تلاش‌های جمعی و تعهد تزلزل‌ناپذیر است که می‌توان آینده‌ای را ساخت که در آن هارمونی جهانی حاکم باشد.

عوامل ایجاد بحران سودان جنوبی

جمهوری سودان که بین منطقه شاخ آفریقا و شرق صحرای بزرگ آفریقا قرار دارد؛ استقلال خود را در سال ۱۹۵۶ از زیر استعمار انگلیس به‌دست آورد. این کشور با مساحت ۲۵۰۵۸۱ کیلومترمربع، بزرگ‌ترین کشور قاره آفریقا و دهمین کشور بزرگ جهان از نظر وسعت به‌شمار می‌رود. سودان تا قبل از استقلال بخش جنوبی بیش از ۴۳ میلیون نفر جمعیت داشت. این کشور به دلایلی همانند وجود مساحت زیاد، منابع غنی و فراوانی معدنی، ترکیب متنوع قومی و مذهبی و وجود اندیشه‌ها و جنبش‌های اسلامی همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ و کشورهای همسایه بوده است. در سودان تفاوت‌های قومی و فرهنگی و شرایط خاص جغرافیایی، زمینه اختلافات را به‌وجود آورده است. ۴۰ درصد از جمعیت این کشور را اعراب و ۶۰ درصد بقیه را آفریقایی‌تباران تشکیل می‌دهد (Zarghani & Alamdar, 2019: 142).

سودان جنوبی که در سال ۲۰۱۱ پس از نزدیک به ۴۰ سال جنگ داخلی از سودان جدا شد، درگیر یک جنگ داخلی ویرانگر تا پایان سال ۲۰۱۳ شد. این بحران زمانی اتفاق افتاد که اختلافات سیاسی با مناقشات قومی از قبل موجود همراه شد و خطوط گسل سیاسی عمیق‌تر شد. علاوه بر این‌ها، این درگیری‌ها بیشتر غیرنظامیان و اغلب گروه‌های قومی را مورد هدف قرار داده است (Appiah Afriye et al., 2020: 33). سودان، با تنوع اقلیمی و قومی چشمگیر، همواره شاهد تضادهای ساختاری بوده است. تضادهای جغرافیایی میان شمال خشک و بیابانی و جنوب جنگلی و حاصلخیز، به همراه اختلافات مذهبی و قومی، بر تحولات تاریخی این کشور تأثیر شگرفی گذاشته است. تمرکز منابع طبیعی، به ویژه ذخایر نفتی، در جنوب و تسلط تاریخی شمال بر قدرت سیاسی، نابرابری‌های توسعه‌ای را

تشدید کرده است. تقسیم سودان به دو کشور مستقل، اگرچه پتانسیل توسعه اقتصادی جنوب را افزایش داد، اما چالش‌های جدیدی را نیز به همراه داشت.

محرومیت از دسترسی مستقیم به دریا، به عنوان یک کریدور حیاتی برای صادرات، یکی از مهم‌ترین موانع توسعه در سودان جنوبی محسوب می‌شود (Fathi et al., 2020: 93). یکی از ریشه‌های عمیق و پایدار منازعات پس از تقسیم سودان، وجود ذهنیت منفی تاریخی در میان ساکنان جنوب نسبت به شمال است. احساس تحقیر و تبعیض تاریخی، ناشی از سیاست‌های استعماری و حاکمیت مرکزی در طول تاریخ، موجب شکل‌گیری شکافی عمیق بین دو منطقه شده است. این شکاف، حتی پس از استقلال سودان جنوبی، به عنوان مانعی جدی بر سر راه ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد و همکاری بین دو کشور باقی مانده است. مورد اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو نیز نمونه‌ای مشابه از تأثیر رویدادهای تاریخی بر روابط بین دولتی است. در این منطقه، عدم اعتماد تاریخی و سوءظن‌های ناشی از اکتشافات نفتی، به عنوان محرکی برای بروز منازعات مرزی و منابع طبیعی عمل کرده است (Hafez Nia & Mirzai Tabar, 2019: 177).

در سودان از جنگ جهانی دوم تاکنون سه دور خشونت قومی رخ داده است: جنگ شمال و جنوب سودان (۱۹۵۵-۱۹۷۲) که با قرارداد آدیس بابا پایان یافت؛ جنگ‌های شمال و جنوب (۱۹۸۳-۲۰۰۵) که با قرارداد صلح به اتمام رسید و جنگ داخلی دارفور که بحران دارفور را ایجاد کرد. سودان بین مسلمانان عرب و غیرعرب در شمال و مسیحیان و روح‌گرایان سیاه در جنوب تقسیم شده است. این گروه‌ها خود به دسته‌های فرعی‌تری تقسیم می‌شوند. پیچیدگی ساختار قومی، وضعیت خاص حکومتی و رقابت قدرت‌های بزرگ از عوامل مؤثر در این بحران‌ها بوده‌اند (Daryaei, 2007: 56-57). در سال ۲۰۱۱، سودان جنوبی، جدیدترین کشور جهان، از سودان جدا شد و به یک کشور مستقل تبدیل شد؛ با این حال، این جدایی صلح پایدار را برای سودان به ارمغان نیاورده است، لذا در واقعیت به استثنای یک دوره ده ساله بین سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۸۳ میلادی، کشور سودان از زمان کسب استقلال دستخوش ناآرامی سیاسی و جنگ داخلی بوده است، زیرا این کشور

همچنان با بی‌ثباتی سیاسی، چالش‌های اقتصادی و درگیری‌ها در مناطق دیگر مانند دارفور (منطقه‌ای در غرب سودان) و کوه‌های نوبا (که در جنوب سودان واقع شده‌اند) و امروز بحران جنگ داخلی دست و پنجه نرم می‌کند و حکومت آن به‌طور متناوب در دست غیرنظامیان و نظامیان است که هر یک نیز خود وابستگی‌های قبیله‌ای دارند؛ چنین ساخت سیال و آشفته‌ای که همواره در این کشور وجود داشته سبب یک درهم‌تنیدگی بی‌پایان شده است و به رغم توافقات گوناگون میان بازیگران و کارگزاران سیاسی، هیچ یک به سرانجامی نرسیده است، چراکه تفکرات جزیره‌ای و یا ملوک‌الطوایفی کارگزاران سیاسی در این کشور مانع شکل‌گیری یک هویت مشترک سیاسی و یک مرجع اقتدار یا مرجع اعتماد میان آن‌ها شده است (Ebrahim Nia, 2022: 9).

نقش قومیت در مناقشات سودان جنوبی

قرن بیستم شاهد ظهور گسترده جنبش‌های قومی و دسته‌جمعی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته بود. فرایند مدرنیزاسیون، با ایجاد نابرابری‌ها و شکاف‌های اجتماعی، به‌عنوان یک محرک اصلی برای شکل‌گیری و تشدید این جنبش‌ها عمل کرده است. افزایش آگاهی‌های قومی در کنار توسعه نامتوازن، موجب تقویت احساس هویت قومی و مطالبات گروه‌های مختلف شده است. نظریه انتخاب عقلانی، به‌عنوان یکی از رویکردهای رایج در تحلیل جنبش‌های اجتماعی، تلاش می‌کند تا شرایط شکل‌گیری و تداوم این جنبش‌ها را تبیین کند. براساس این نظریه، افراد به‌طور عقلانی هزینه‌ها و فواید مشارکت در یک جنبش را سنجیده و در صورتی که منافع حاصل از آن بیشتر از هزینه‌ها باشد، به آن می‌پیوندند. بنابراین، تشکیل و تداوم یک جنبش قومی به وجود یک آستانه بحرانی از مشارکت و توافق جمعی نیاز دارد. جنبش‌های قومی به دنبال بحران‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی یک ملت صورت می‌گیرند و ممکن است به یکی از چهار شکل زیر باشد: نهضت‌های خودمختاری، نهضت‌های جدایی‌طلب، طغیان‌های محلی و سیاست‌های انتخاباتی قومی (Ahmadipour et al., 2010: 40-41). جنگ داخلی سودان که به جدایی

سودان جنوبی منجر شد، ناشی از اختلافات عمیق هویتی، سیاسی و اقتصادی بین شمال و جنوب بود. این اختلافات ریشه در تفاوت های قومی، مذهبی و فرهنگی داشت (Musa, 79: 2022). متأسفانه تنوع قومی، که اغلب منبعی از قدرت است، به نقطه عطف درگیری در سودان تبدیل شده است.

سودان از زمان استقلال در سال ۱۹۵۶ تا زمان جدایی بخش جنوبی کشور به استثنای یک دوره یازده ساله بین سال های ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۳ همواره درگیر جنگ داخلی بوده است. علت اصلی جنگ داخلی در این کشور را وجود تفاوت های قومی، نژادی و مذهبی بین مناطق مختلف کشور می دانند (Zargari & Hatami, 2012: 120) سودان جنوبی با جمعیتی حدود ۱۰ میلیون نفر، ۶۴ گروه قومی گوناگون دارد. بزرگ ترین گروه های قومی، دینکا (۳۶٪ جمعیت) و نوئر (۱۶٪ جمعیت) هستند. قوم باری چهارمین گروه بزرگ پس از این دوست. علاوه بر این، جمهوری دموکراتیک کنگو نیز با بیش از ۲۰۰ گروه قومی و ۶۰ زبان مختلف، تنوع قومی و زبانی بالایی دارد (Idowu & Oladiti, 2019: 114-115). درگیری های مسلحانه در جوبا در سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶ نشان داد که دولت سودان جنوبی پس از استقلال در برقراری صلح و امنیت ناکام بوده است. این درگیری ها ناشی از بحران حاکمیت، نبود نهادهای دموکراتیک و نقض حقوق بشر بود (John Masabu, 2019: 145). خشونت های مکرر در سودان جنوبی، ناشی از رقابت های سیاسی، تنش های قومی و بی اعتمادی بین دولت و مردم است. قوم گرایی و نبود ارتش واحد، این درگیری ها را تشدید کرده و به نقض حقوق بشر و بحران های اقتصادی و اجتماعی در ده ایالت این کشور منجر شده است. این وضعیت، سلامت روان و بهزیستی مردم را تحت تأثیر قرار داده و بی ثباتی و ناامنی گسترده را در سودان جنوبی به وجود آورده است (Kon, 2015). در بررسی سیر تحول بحران های آفریقا، یکی از عواملی که به راحتی به ذهن متبادر می شود، موضوع درگیری قومی است. علت اصطکاک قومی در این قاره را می توان در پیکربندی اجتماعی - فرهنگی آفریقا یا تعداد اقوام یا قبیله ای جست و جو کرد. تمایل اقوام به درگیری از این واقعیت ناشی می شود که پس از استعمار، گروه های قومی فرهنگی در

کشورهای مختلف آفریقایی به دنبال کسب قدرت بودند و این بدین معنی بود که این قاره در این دوران به یک انبار باروت واقعی تبدیل شده بود. ساختار گروه‌های قومی که با تقسیم‌بندی نژادها مشخص می‌شود، یکی از مظاهر مشکلات بود که بر چشم‌انداز سیاسی - اجتماعی آفریقا تأثیر می‌گذاشت. این ایده (تقسیم‌بندی نژادها) پیش‌فرض درگیری‌های قومی در این قاره از این واقعیت ناشی می‌شود که قبایل به دنبال منافع مشترک مردم خود هستند. به عبارت دیگر، از آنجا که دولت به تعهدات خود عمل نکرد، شهروندان به دنبال تحقق منافع اجتماعی در گروه‌های قبیله‌ای خود بودند (Ghaffari, 2023).

نقش زنان در فرایند صلح‌سازی در سودان جنوبی

زنان در سرتاسر جهان و همچنین در آفریقا، متولیان فرهنگ و پرورش‌دهندگان خانواده هستند، اما در زمان جنگ و درگیری، در فرایند مذاکره، جامعه پس از مناقشه و تلاش‌های بازسازی حضور ندارند. این مسئله به‌ویژه در آفریقا صدق می‌کند (Ocheing, 2019: 1). مطالب زیادی در مورد نقش‌های بی‌شماری که زنان در ایجاد صلح در سطح مردمی و جامعه ایفا می‌کنند، نوشته شده است، از جمله معرفی آن‌ها به عنوان صلح طلبان، فعالان صلح، رهبران جامعه مدنی، رهبران سیاسی، مربیان، تسهیل‌کنندگان، مراقبان و انسان‌دوستان. با این حال، علی‌رغم اینکه اغلب در مراحل اولیه و در سطح جامعه فرایندهای صلح تأثیر قابل توجهی دارند، زمانی که فرایندهای صلح به سطوح بالاتر و رسمی‌تر مذاکره و اجرا می‌روند، کنار گذاشته می‌شوند. این در حالی است که مشارکت آن‌ها به عنوان یک جنبه اساسی از عدالت اجتماعی فراگیر در فرایندهای صلح به رسمیت شناخته شده است و قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد حضور آن‌ها را در تمام سطوح تصمیم‌گیری در فرایندهای صلح الزامی می‌داند.

درواقع، غیبت زنان در پروسه‌های رسمی صلح به عنوان یکی از دلایل کلیدی عدم ایجاد صلح پایدار در چنین فرایندهایی مطرح شده است (Kim Westendorf, 2018). زنان در سودان جنوبی، علی‌رغم مواجهه با چالش‌های متعدد ناشی از جنگ و درگیری، نشان

داده‌اند که ظرفیت بالایی برای تاب‌آوری و سازگاری دارند. شبکه‌های حمایتی ایجادشده توسط زنان، ازجمله شبکه‌های بازماندگان خشونت مبتنی بر جنسیت، نقش مؤثری در ارائه خدمات حمایتی به زنان آسیب‌دیده و تقویت روحیه جمعی آن‌ها داشته است. همچنین، تشکیل انجمن‌های پس‌انداز و قرض‌دهی، به زنان این امکان را داده است تا از طریق فعالیت‌های اقتصادی، به استقلال مالی دست یابند و به بهبود وضعیت معیشتی خانواده‌های خود کمک کنند. در شرایطی که ساختارهای سنتی رهبری و میانجی‌گری در سودان جنوبی تضعیف شده است، زنان به عنوان بازیگران کلیدی در فرایند صلح‌سازی ظاهر شده‌اند. با ایجاد شبکه‌های اجتماعی قوی و بهره‌گیری از نفوذ خود در خانواده‌ها و جوامع، زنان توانسته‌اند در کاهش تنش‌ها و پیشگیری از خشونت نقش فعالی ایفا کنند. به‌ویژه، تلاش‌های زنان برای جلوگیری از خشونت علیه زنان و کودکان و ترویج فرهنگ صلح، به عنوان یک عامل مهم در تقویت انسجام اجتماعی و برقراری صلح پایدار در این کشور محسوب می‌شود (Balke & Modi, 2022). اکثر فعالیت‌های سازمان‌های زنان در چهار ستون کار صلح‌سازی قرار می‌گیرد که به زنان تجربیات و مهارت‌های آماده‌ای برای تلاش‌های صلح‌سازی ارائه می‌دهد، برای مثال از جنگ داخلی سودان تا درگیری‌های داخلی به دلیل تقسیم ارتش آزادی‌بخش خلق سودان (SPLA) / جنبش آزادی‌بخش خلق سودان (SPLM)، زنان در فعالیت‌های توانمندسازی اقتصادی، حکومت‌داری خوب و آشتی فعال بوده‌اند. در طول جنگ داخلی دوم سودان، سازمان‌های زنان مانند «WATOP» تنها سازمان زنان در واو بحرالغزال (نام شهری در سودان جنوبی)، در زمینه ارائه آموزش به کودکان آواره، آموزش مهارت‌های خیاطی و رنگ‌آمیزی، و آموزش بزرگسالان فعالیت می‌کرد. پس از توافقنامه جامع صلح سی‌پی‌آ (CPA)، سازمان‌های زنان مانند انجمن عمومی زنان سودان جنوبی (SSCWE) و انجمن زنان کارآفرین سودان (SWEA) برای ارائه اطلاعات به زنان در بخش کسب و کار و تقویت ظرفیت زنان در کسب و کار ایجاد شدند (Hotmay, 2015: 3).

زنان سودان جنوبی نقش مهمی در طول جنگ‌ها و پس از آن ایفا کردند. آن‌ها در فرایندهای صلح رسمی و غیررسمی شرکت داشتند و دیدگاه‌ها و استراتژی‌های خود را برای مذاکرات صلح به ارمغان آوردند. مشارکت آن‌ها در توافقنامه صلح جامع (R-ARCSS) بسیار مؤثر بود و دستاوردهای مهمی برای زنان به همراه داشت. از جمله این دستاوردها می‌توان به افزایش تعداد کرسی‌های زنان در سازوکارهای اجرایی R-ARCSS از طریق سهمیه ۳۵ درصدی زنان و اختصاص یک پست معاونت ریاست جمهوری به یک زن اشاره کرد (Vitaliano, 2023). در دولت انتقالی خارطوم، چهار وزارتخانه مهم به زنان سپرده شده و ربکا نیاندنگ د مایور به عنوان اولین معاون رئیس‌جمهور زن در سودان جنوبی منصوب شده است (Irna, September 2019). در کل زنان سودان جنوبی با وجود چالش‌های بسیار، نقش مهمی در صلح و ثبات کشور دارند و به‌عنوان عوامل تغییر و پیشرفت شناخته می‌شوند. حمایت از آن‌ها و افزایش مشارکتشان در فرایندهای صلح می‌تواند به صلح پایدار در این کشور کمک کند.

تجزیه و تحلیل

پس از توصیف اوضاع و احوال حاکم بر سودان جنوبی و همچنین بررسی نقش زنان در بحران‌های این کشور، در بخش‌های بعدی با موانع و چالش‌های فراروی ایفای نقش زنان در فرایند صلح‌سازی سودان جنوبی مورد واکاوی قرار می‌گیرد و به علل موانع ایفای نقش زنان در صلح‌سازی سودان جنوبی پرداخته می‌شود.

موانع نقش زنان در فرایند صلح‌سازی سودان جنوبی

عوامل زیادی مانع حضور زنان در عرصه‌های عمومی در روند صلح‌سازی در سودان جنوبی می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

جامعه پدرسالاری: جامعه سودان جنوبی، همچون بسیاری از جوامع سنتی آفریقایی، تحت تأثیر عمیق هنجارهای پدرسالارانه قرار دارد. این هنجارها، که براساس برتری ذاتی

مردان بر زنان استوار شده‌اند، ساختارهای قدرت و روابط اجتماعی را به گونه‌ای شکل داده‌اند که مردان به عنوان سرپرستان خانواده و تصمیم‌گیرندگان اصلی در امور جامعه شناخته می‌شوند (Hot May (b), 2015: 8). در سودان جنوبی، قدرت در دست مردان متمرکز است و این امر به محدودیت فرصت‌های زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منجر شده و تبعیض علیه آنان را تشدید کرده است. هنجارهای مضر جنسیتی ناشی از فرهنگ مردسالارانه، زنان را به حاشیه رانده و از مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های سیاسی محروم کرده است. این امر به ویژه در روستاها، که تمایل بیشتری به سنتی بودن دارند، صادق است (Giovetti, 2022).

نرخ بالای بی‌سوادی: کشورهای در حال توسعه آفریقا نرخ باسوادی کم‌تری دارند. نرخ باسوادی در آفریقا به طور نابرابری توزیع شده است. درحالی که برخی از کشورها نرخ باسوادی بالایی دارند، مانند گینه استوایی^۱ (۹۵ درصد)، لیبی^۲ (۹۱ درصد)، موریس^۳ (۹۱ درصد)، سائوتومه و پرنسپ^۴ (۹۲ درصد)، سیشل^۵ (۹۵ درصد) و آفریقای جنوبی (۹۵ درصد) و در مقابل کشورهایی مثل جمهوری آفریقای مرکزی، مالی، نیجر و سودان جنوبی نرخ باسوادی زیر ۴۰ درصد را دارند (Zua, 2021: 99). درواقع سطح بالای بی‌سوادی، مانع مشارکت فعال زنان در سایر عرصه‌های حیاتی اجتماعی شده است. علاوه بر این، بیشتر زنان در موقعیت‌های تأثیرگذار، به زبان مادری یا عربی تحصیل کرده‌اند. با توجه به اینکه زبان رسمی کشور انگلیسی است، این امر ارتباط مؤثر زنان باسواد را در عرصه سیاست با چالش جدی مواجه کرده است (Wagner, 2023: 70).

تنوع قومیتی: تنوع قومی قابل توجه در سودان جنوبی، به عنوان یک عامل بازدارنده در مسیر مشارکت مؤثر زنان در فرایندهای صلح‌سازی و فعالیت‌های عمومی مطرح است. این

-
1. Equatorial Guinean
 2. Ilibay
 3. mauritius
 4. sao time and princepe
 5. seychelles

تنوع، که از ویژگی‌های بارز جامعه سودان جنوبی به‌شمار می‌رود، به‌طور بالقوه می‌تواند به تضعیف همکاری‌های بین زنان در حوزه صلح‌سازی منجر شود. با وجود تلاش‌های قابل تقدیر سازمان‌های زنان در جهت کاهش شکاف‌های قبیله‌ای، همچنان شاهد بروز عناصر مرتبط با مسائل قبیله‌ای در فرایندهای تشکیل و مدیریت سازمان‌ها و کنسرسیوم‌ها، و نیز در تبادل اطلاعات هستیم. همچنین این عوامل، چالش‌هایی جدی در مسیر مشارکت مؤثر زنان در فرایندهای صلح‌سازی ایجاد می‌کنند (Hot mat(c), 2015: 10). به عبارت دیگر، تنوع قومیتی موجود در سودان جنوبی می‌تواند به اختلافات و درگیری‌های بین‌قبیله‌ای دامن زده و زنان را نیز در این منازعات درگیر سازد. در چنین شرایطی، زنان ممکن است به جای تمرکز بر منافع مشترک و اهداف کلان صلح‌سازی، ناگزیر به تبعیت از وفاداری‌های قبیله‌ای خود شوند. حتی سازمان‌های زنان که با هدف ایجاد و تحکیم صلح فعالیت می‌کنند، ممکن است تحت تأثیر تعصبات قومی قرار گیرند. به‌عنوان مثال، امکان دارد یک قبیله خاص در یک سازمان نفوذ قابل توجهی پیدا کرده و زنان متعلق به سایر قبایل را به حاشیه براند. این وضعیت می‌تواند به ایجاد بی‌اعتمادی و تفرقه در میان زنان منجر شده و توانایی آنان را در همکاری مؤثر و سازنده کاهش دهد.

موانع حقوقی: قوانین موجود در سودان جنوبی اغلب تبعیض‌آمیز بوده و زنان را از حقوق برابر با مردان محروم می‌کند. زنان در مواجهه با خشونت خانگی، تجاوز و تعرض جنسی راهکارهای محدودی در اختیار دارند. با توجه به وضعیت تقریباً ناکارآمد پلیس و سیستم قضائی، قوانین دفاعی به ندرت اجرا می‌شوند و زنان از نهادهای دولتی حمایت و حفاظت اندکی دریافت می‌کنند. در نتیجه، حفاظت به قوانین و دادگاه‌های عرفی واگذار شده است که آن‌ها نیز امنیت کمی را فراهم می‌کنند. درواقع به‌دلیل باور نادرست اما فرهنگی، که گزارش موارد خشونت جنسی و تجاوز به زنان، باعث شرمساری زن و خانواده او می‌شود، نقض حقوق زنان در سودان جنوبی بیشتر شده است و همین مسئله بسیاری از زنان را از مناطق روستایی و شهری از گزارش سوء استفاده‌ها برای رسیدن به عدالت باز می‌دارد. کار دادگاه‌های عرفی و دادگاه‌های قانونی از نظر سلسله‌مراتبی

گیج‌کننده و ناسازگار است، زیرا طبق تئوری، دادگاه‌های قانونی باید راه‌هایی برای تجدیدنظر از دادگاه‌های عرفی فراهم کنند که در عمل چنین نیست.

بسیاری از پرونده‌هایی که توسط زنان آسیب‌دیده به دادگاه مدنی برده می‌شد، توسط قاضی به رؤسای عرفی (که عمدتاً مردانی از گروه قومی خود هستند) ارجاع می‌شد. با این حال، شکایت به رؤسای عرفی منجر به دستور رؤسای عرفی به زن آسیب‌دیده برای اطاعت از شوهر خود در راستای فرهنگ جامعه می‌شد. در اکثر موارد، پلیس از رسیدگی به مسائل خشونت خانگی گزارش‌شده توسط زنان خودداری می‌کرد، با این استدلال که این موضوع تحت صلاحیت آن‌ها نیست و آن‌ها را به خانه می‌فرستاد تا اختلافات خود را با خانواده‌هایشان حل کنند. بنابراین با توجه به ناتوانی هر دو قانون مدنی و عرفی در جبران خسارت زنان قربانی، این امر تنها مشکل را تشدید می‌کند، زیرا پیام اشتباهی ارسال می‌کند که این رفتار قابل قبول است زیرا قانون نتوانسته است به‌عنوان یک عامل بازدارنده برای مرتکبان احتمالی خشونت مبتنی بر جنسیت عمل کند (Hove & Ndavana, 2017: 7-9).

علاوه بر آنچه گفته شد سودان یکی از انگشت‌شمار کشورهای جهان است که کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان را به دلیل باور مقامات دولتی بر مغایرت این کنوانسیون با قانون شرع، تصویب نکرده است. بنا به نظرسنجی بنیاد تامسون ویتز، در میان ۲۲ کشور عرب‌زبان، سودان رتبه هفدهم را در زمینه نقض حقوق زنان داراست. در این نظرسنجی، خشونت علیه زنان، حقوق باروری، رفتار با زنان در خانواده، پذیرش در جامعه و نوع نگرش به زنان در سیاست و اقتصاد ارزیابی شده بود (Tebesh, 2020). بر این اساس، می‌توان اذعان داشت که موانع حقوقی در سودان جنوبی، فراتر از مسائل خصوصی زنان مانند تجاوز، مشارکت آنان در فرایند صلح‌سازی را در سطح عمومی نیز با چالش مواجه می‌کند. عدم تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق زنان، تعهدات دولت را در زمینه برابری جنسیتی تضعیف کرده و زمینه‌ساز تداوم قوانین تبعیض‌آمیز می‌شود. این قوانین، به‌ویژه در زمینه‌های حقوق خانواده، ارث و مالکیت، مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به صلح را محدود می‌کند. علاوه بر این، رویه‌های اداری و قضائی

تبعیض‌آمیز، زنان را از دسترسی به عدالت و اطلاعات لازم برای مشارکت مؤثر در صلح‌سازی محروم می‌کند. در نتیجه، موانع حقوقی، نه تنها حقوق خصوصی زنان را نقض می‌کند، بلکه مشارکت آنان را در عرصه‌های عمومی و فرایندهای صلح‌سازی نیز محدود می‌کند و به ضرر کل جامعه تمام می‌شود.

هنجارهای فرهنگی: در جامعه مورد مطالعه، هنجارهای فرهنگی ریشه‌دار، به ویژه باورهای پدرسالارانه، منجر به پذیرش اجتماعی خشونت علیه زنان شده است. این باورها، که از طریق نهادهای اجتماعی، خانواده و رسانه‌ها منتقل می‌شود، به زنان القا می‌کند که خشونت خانگی امری طبیعی و قابل تحمل است. علاوه بر این، ننگ اجتماعی مرتبط با گزارش خشونت، یکی از مهم‌ترین موانع برای پیگیری حقوقی زنان است. ترس از طرد شدن توسط خانواده و جامعه، نگرانی از آسیب دیدن وجهه خانواده و باور به اینکه گزارش خشونت باعث شرمساری خواهد شد، از جمله عواملی هستند که زنان را از شکایت باز می‌دارند (Ndormo & Benyanga, 2023: 13). در سودان جنوبی، خشونت مبتنی بر جنسیت، از جمله ازدواج زودهنگام/اجباری، فرار، آدم‌ربایی، غرامت دختر، و ضرب و شتم همسر، رایج است و به دلیل باورهای فرهنگی، به عنوان رفتاری طبیعی و قابل قبول تلقی می‌شود (Gatimu, 2018). در سودان جنوبی، خشونت جنسی به عنوان سلاحی جنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تجاوز و برده‌کشی جنسی به ابزاری برای ترساندن و کنترل مردم تبدیل شده است. این مشکل در باورهای فرهنگی و اجتماعی نادرست ریشه دارد که مردان را قدرتمندتر از زنان می‌دانند و خشونت علیه زنان را توجیه می‌کنند. این خشونت‌ها نه تنها به جسم زنان آسیب می‌رساند، بلکه حقوق اساسی آن‌ها را نیز نقض می‌کند (Enbaye, 2022). هنجارهای فرهنگی سنتی، با محدود کردن مشارکت زنان در فرایندهای صلح، به پایدار نبودن توافقات صلح دامن می‌زنند. عدم حضور زنان در مذاکرات و تصمیم‌گیری‌ها، به نادیده گرفته شدن نیازها و دیدگاه‌های نیمی از جمعیت منجر شده و در نتیجه، توافقات صلح از مشروعیت و دوام کافی برخوردار نخواهند بود. این موانع به صورت تلاقی با

یکدیگر عمل کرده و یک سیستم پیچیده و چندوجهی را تشکیل می دهند که مشارکت زنان را در فرایند صلح سازی به شدت محدود می کند.

راهکارها برای رفع موانع زنان، جهت صلح سازی در سودان جنوبی

تغییر نگرش های اجتماعی: افزایش آگاهی عمومی درمورد اهمیت برابری جنسیتی از طریق آموزش و رسانه ها و تغییر قوانین و سیاست هایی که تبعیض جنسیتی را تقویت می کنند.

تقویت حضور زنان در ساختارهای قدرت: یکی از راهکارهای اساسی برای افزایش نقش زنان در صلح سازی، تقویت حضور آنها در ساختارهای قدرت است؛ مثل افزایش سهمیه بندی زنان در پارلمان و سایر نهادهای تصمیم گیری. این امر به زنان امکان می دهد تا در تصمیم گیری های کلیدی مشارکت فعال داشته باشند و دیدگاه های خود را به طور مستقیم در روند صلح سازی مطرح کنند.

تأمین امنیت زنان: ایجاد یک محیط امن برای مشارکت زنان در فرایندهای صلح سازی از طریق افزایش حضور نیروهای امنیتی زن و آموزش آنها در زمینه های حقوق بشر و جنسیت و...، برای مثال تدوین و اجرای قوانین کیفری مؤثر برای مجازات مرتکبان خشونت علیه زنان و ایجاد مکانیزم های حمایت از قربانیان.

ایجاد سازوکارهای حمایت از زنان: ایجاد سازوکارهای حمایتی از زنان در فرایند صلح سازی سودان جنوبی، گامی حیاتی در جهت دستیابی به صلح پایدار و ایجاد جامعه ای برابر و عادلانه است، برای مثال ایجاد سهمیه برای حضور زنان در هیئت های مذاکره کننده، حمایت از سازمان های زنان برای شرکت در مذاکرات و آموزش زنان در زمینه مذاکره و دیپلماسی. رفع موانع موجود و تقویت نقش زنان در صلح سازی در سودان جنوبی، نیازمند یک رویکرد جامع و مشارکت همه بازیگران است. با اتخاذ راهکارهای پیشنهادی، می توان به آینده ای روشن تر برای زنان و جامعه سودان جنوبی امیدوار بود.

نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه در این مقاله به بررسی نقش زنان در فرایند صلح‌سازی، با تأکید بر منطقه سودان جنوبی پرداختیم. درک نقش حیاتی صلح در جامعه جهانی می‌تواند ارزش عظیم آن را مشخص کند، چراکه اهمیت صلح در جهان ما بر همگان آشکار است. جوامع صلح‌آمیز، امنیت شهروندان خود را تضمین می‌کنند و زمینه مساعدی را برای توسعه اقتصادی، آموزش و رشد فرهنگی ایجاد می‌کنند. نکته مهم این است که برای دستیابی به صلح باید علل ریشه‌ای خشونت و درگیری مثل فقر، نابرابری، حاشیه‌نشینی، فرهنگ حاکم و... پرداخت. موانع ایجاد صلح در جوامع، به‌ویژه جوامع توسعه‌نیافته، در فرهنگ، روابط بین گروه‌ها و ارزش‌های حاکم ریشه دارد. برای حل مناقشات، مقابله با علل تنش‌های داخلی و آسیب‌شناسی داخلی ضروری است. در این مقاله، با تمرکز بر سودان جنوبی، نقش زنان در صلح‌سازی و موانع پیش روی آن‌ها بررسی شده است.

در مقاله حاضر با تأکید بر منطقه سودان جنوبی به صلح‌سازی زنان و موانع آن‌ها در جهت صلح‌سازی در این کشور پرداختیم. موانع ایفای نقش زنان در فرایند صلح‌سازی، پدیده‌ای جهانی است که در ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نابرابر ریشه دارد. در سودان جنوبی نیز، مانند بسیاری از کشورهای دیگر، زنان با موانع متعددی برای مشارکت کامل در گفت‌وگوهای صلح و تصمیم‌گیری‌ها مواجه هستند. این موانع، نه تنها به مشارکت زنان در فرایند صلح‌سازی آسیب می‌زند، بلکه بر دوام صلح نیز تأثیر منفی می‌گذارد، زیرا حضور زنان در فرایند صلح، باعث می‌شود که نیازها و دیدگاه‌های بخش بزرگی از جامعه در نظر گرفته شود و در نتیجه، توافقات صلح پایدارتر باشند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زنان در سودان جنوبی با طیف وسیعی از موانع ساختاری، رفتاری و نهادی در ایفای نقش در فرایند صلح‌سازی مواجه هستند. این موانع نه تنها از مشارکت مؤثر آن‌ها جلوگیری می‌کند، بلکه بر پایداری طولانی‌مدت توافقات صلح نیز تأثیر می‌گذارد. برای رفع این چالش‌ها، ضروری است که سیاست‌گذاران، جامعه مدنی و جامعه بین‌المللی به‌طور مشترک برای ایجاد یک محیط مساعد برای مشارکت زنان در تمام سطوح تصمیم‌گیری

تلاش کنند. این امر مستلزم اصلاح قوانین و سیاست‌ها، تغییر نگرش‌های جنسیتی، و سرمایه‌گذاری در توانمندسازی زنان است.

قدردانی

بدین‌وسیله مراتب قدردانی و سپاس خود را از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس در راستای مساعدت‌های ارزشمندشان در انتشار این مقاله اعلام می‌داریم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تعارض منافی با هیچ کار پژوهشی یا مطالعه دیگری در ارتباط با این مقاله وجود ندارد.

References

- Appiah Afriyie, F., & Jisong, J., & Yaw Appiah, K. (2020). Comprehensive analysis of South Sudan conflict: Determinants and repercussions. *Journal of Liberty and International Affairs*, 6(1), 33-47. <<https://e-jlia.com/index.php/jlia/article/view/17>>
- Ahmadipour, Z., & Heidari Movasaghrou, T., & Heidari Movasaghrou, T. (2010). Analysis of ethnicity and ethnic identity in Iran: Sustainable security. *Scientific-Research Quarterly of Social Order*, 2(1), 62-63. [In Persian]
- Askari, P., & Khosravi, Y. (2017). The necessity and requirements of peace studies from the perspective of international law. *International Relations Research Quarterly*, 1(22), 237-266. [In Persian]
- Abghari, S. (2022). *Feminism and peace: Will women bring peace or supremacy?* Asre-Nou. <<https://asre-nou.net/php/view.php?objnr=55834>>
- Balke, D., & Modi, C. N. G. (2022). *Empowering South Sudan's women and girls is key to fostering peace*. World Bank Blogs. <<https://blogs>>

worldbank.org/nasikiliza/empowering-south-sudans-women-and-girls-key-fostering-peace>

- Bakhtiari, A., & Nasiri, B., & Haghighati, M. R. (2014). Theoretical formulation of feminism in media studies (with model presentation). *Media Studies*, 8(23), 89–98. [In Persian]
- Chol, J. D. (2023). *South Sudanese women in peace building and conflict resolutions: Prospects and hurdles*. Civil Society Reform Forum – South Sudan.< <https://www.csrf-southsudan.org/repository/2-south-sudanese-women-in-peace-building-and-conflict-resolutions-prospects-and-hurdles/>>
- Daryaei, M. H. (2007). A study of the factors affecting the creation and continuation of the Darfur crisis. *Journal of Law and Political Research*, 9(23), 55–88. [In Persian]
- Ebrahimnia, H. (2022). Sudan: Internal turmoil - external interventions. *Middle East Studies Quarterly*, 29(4), 5–14. [In Persian]
- Ennaye, G. (2022). *In search for safe spaces: Women and gender-based violence in South Sudan*. iFAIR – Young Initiative on Foreign Affairs and International Relations.<<https://ifair.eu/2022/02/15/in-search-for-safe-spaces-women-and-gender-based-violence-in-south-sudan/>>
- Fathi, A., & Lotfi, H., & Ezati, E., & Shariatpanahi, M. V. (2020). Geo-economic and geo-cultural foundations of geopolitical divergence in the Middle East region during regional crises. *Regional Planning Scientific Quarterly*, 10(40), 87–100. [In Persian]
- Goodarzi, M., & Kafash Niri, M. (2019). Globalization of human rights: Peace culture and international relations. *Human Rights Biannual*, 4(1), 19–42. [In Persian]

- Ghaffari, N. (2023). *Ethnic conflicts in Africa and the role of colonialism; foreign countries' goals in expanding tensions*. Tasnim News Agency. <<https://tn.ai/2944315>>
- Giovetti, O. (2022). *Gender equality in South Sudan: What we know in 2022*. Concern Worldwide.< <https://www.concern.net/news/gender-equality-in-south-sudan>>
- Gatimu, C. (2018). Culture and gender based violence in South Sudan. *Africa Amani Journal*, 2(2), 34-40.
- Herouach, S. (2019). Liberal feminism impact on Moroccan educated women: Faculty of letters and human sciences, FLDM, as a field study. *Open Political Science*, 2(1), 128-152.< <https://doi.org/10.1515/openps-2019-001>>
- Hosseini Zadeh, S. A., & Sharafi Jam, M. R. (2013). A critique and review of the principles of liberal feminism education from an Islamic perspective. *Research in Islamic Education Issues*, 21(18), 25-50. [In Persian]
- Hepler, R., & Serva, C. (2023). *Liberal feminism: Definition, theory & goals*. Study.com.< <https://study.com/academy/lesson/liberal-feminism-definition-theory-quiz.html>>
- Harun, S. M. (2024). The role of women in peace-building in South Sudan. *The International Journal of Humanities & Social Studies*, 12(2), 53-64.< <https://doi.org/10.24940/theijhss/2024/v12/i2/HS2303-001>>
- Hoth Mai, N. (2015). *The role of women in peace-building in South Sudan* . The Sudd Institute. <<https://www.suddinstitute.org/publications/show/55>>
- Hafeznia, M. R., & Mirzaei Tabar, M. (2019). Geopolitical explanation of border and territorial conflicts in the zero to 15 degrees north African belt from the end of the Cold War to 2014 AD. *Geographical Information Scientific-Research Quarterly*, 28(112), 167-185. [In Persian]

- Hove, M., & Ndawana, E. (2017). Women's rights in jeopardy: The case of war-torn South Sudan. *SAGE Open*, 7(4), 1–13. <<https://doi.org/10.1177/2158244017737355>>
- Idowu, A. S., & Oladiti, A. A., & Adenuga, A. O. E. (2019). Ethnicity, inequality and the tragedy of African development: A comparative case study of Nigeria and the South Sudan. *Journal of Globalization Studies*, 10(1), 111–129. <<https://doi.org/10.30884/jogs/2019.01.08>>
- IRNA. (2019). 40% of Sudan parliament seats allocated to women. <<https://www.irna.ir/xjvyZr>> [In Persian]
- Kon, M. (2015). Institutional development, governance, and ethnic politics in South Sudan. *Journal of Global Economics*, 3(2), 1–6. <<https://doi.org/10.4172/2375-4389.1000147>>
- Kezie, H. (2019). *What feminist peace means in changing contexts of conflict*. African Feminism. <<https://africanfeminism.com/what-feminist-peace-means-in-changing-contexts-of-conflicts>>
- Masabo, C. J. (2019). The apparition of the perceived enemy: National identity and peace building in south sudan. *Huria Journal*, 26(2), 134–157
- Musa, A. M. (2022). Ethnic politics in Sudan: Dynamics of instability. *African Journal of Economics, Politics and Social Studies*, 1, 77–88.
- Nyuon, A. K. (2021). Women in mainstreaming peace and security in South Sudan: Lessons learnt and way forward. *Galore International Journal of Applied Sciences and Humanities*, 5(1), 1–11.
- Ndoromo, O., & Banyanga, J. D. (2023). Cultural impact and intimate partner aggression in African societies: A comparison of Rwanda and South Sudan. *European Journal of Social Sciences*, 6(2), 8–20. <<https://doi.org/10.2478/eujss-2023-0012>>

- Ochieng, M. (2019). Role of women in peacebuilding and post-conflict transformation Africa: A Catholic Church perspective. *International Journal of Arts, Humanities and Social Sciences*, 1(2), 1-12.
- Paknia, M. (2010). Liberalism and the liberal radical feminism in 19th century. *Journal of Social psychological Studies Sociological of women*, 8(2), 107-123. <<https://doi.org/10.22051/jwsps.2010.1330>>[In Persian]
- Poni Elly, N. (2017). *The role of women in post-conflict peace building in the Republic of South Sudan: A case of Jubek State*. Master's thesis. Institute of Diplomacy and International Studies.
- Sabouri, Z., & Nasirpour, S., & Hamidian Shourmasti, M. (2013). Challenges of UN Women in establishing sustainable peace. *Journal of International Relations Research*, 1(5), 165-192. [In Persian]
- Soltani, R., & Moradi, M. (2017). The evolution of the concept of international peace and security in light of UN Security Council practice (End of the Cold War-until now). *Open Journal of Political Science*, 7(1), 133-144. <<https://doi.org/10.4236/ojps.2017.71010>>
- Sadatinejad, S. M., & Sadatinejad, S. A. (2020). Challenges and strategies for achieving just peace in today's world. *Journal of Islamic Peace Research*, 1(3), 71-96. [In Persian]
- Tabesh, N. (2020). *Women in Sudan: From oppression to revolution and reform*. BBC News Persian. <<https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-53500335>>
- Vitaliano, C. (2023). *Why women must seize the 'constitutional moment' in South Sudan, the world's youngest nation*. London King's College. <<https://www.kcl.ac.uk/why-women-must-seize-the-constitutional-moment-in-south-sudan>>

- Wagner-Eric, R. (2023). *Women's participation in post-conflict peacebuilding in Juba, South Sudan*. Master thesis, United States International University – Africa.
- Westendorf, J. K. (2018). *Women's exclusion from the South Sudan peace process*. Australian Outlook. <<https://www.internationalaffairs.org.au/australianoutlook/implications-womens-exclusion-sudan-south-sudan-peace-process/>>
- Zarei, M. (2016). A critical study of liberal-radical and Marxist-socialist feminism with a fitrah-oriented model in women's studies. *Bi-Quarterly Scientific-Research Journal*, 4(7), 35-59. [in Persian]
- Zarghani, S. H., & Alamdar, E. (2019). Analysis of geopolitical crises in the Islamic world in the past decade (case study of Southwest Asia and North Africa). *Scientific Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, 8(1), 125-151. [in Persian]
- Zargari, H., & Hatami, M. R. (2012). The role of external factors affecting the separation and independence of South Sudan. *Journal of Political Studies of the Islamic World*, 2(3), 113-142. [in Persian]
- Zua, B. (2021). Literacy: Gateway to a world of exploits. *International Journal of Education & Literacy Studies*, 9(1), 96-104.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی